

رعایت انصاف؟



عدم رعایت عدالت و انصاف

حجت الاسلام دکتر احمد شفیعی نیا

پیشتر لازم است بدانیم که «عدالت» مفهومی وسیع‌تر از «انصاف» دارد؛ زیرا عدالت در هر جایی و هر چیزی قابل تطبیق است. چنان‌که امیرالمؤمنین علیه السلام در تعریف عدل فرمودند: «الْعَدْلُ يَمَـَّعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا: [11] عدل کارها را در جایگاه خود قرار می‌دهد». به بیان دیگر واژه «امور» مطلق است؛ بنابراین گستره این معنا اعم از تکوینیات و تشریعیات (اعم از مادی و معنوی) است. ولی انصاف روحیه‌ای است که شخص را آماد پذیرش حق می‌کند؛ از این‌رو انصاف خود مصداقی از عدالت است و این تفاوت از سخن امام باقر علیه السلام نیز قابل استفاده است که فرمودند: «لَا عَدْلَ كَالْإِنْصَافِ: [12] هیچ عدلی مثل انصاف‌ورزیدن نیست». در این جمله برای عدل گستره‌ای وسیع را فرض کرده است که بالاترین آن انصاف‌ورزی شمرده شده است.

در منابع اسلامی است که امیرالمؤمنین علیه السلام در تفسیر آیه [إِنِّ اِلَهَیْکُمْ بِالْعَدْلِ](#) و [وَالْإِحْسَانِ: \[13\]](#) خداوند به عدل و احسان دستور می‌دهد» فرمودند: «الْعَدْلُ: الْإِنْصَافُ، وَ

الإِحْسَانُ؛ الذِّفَافَةُ؛ [4] مقصود از عدل همان انصاف است و مراد از احسان هم تفضل الهی است. شایان توجه است که آن حضرت عدل را که متعلق دستور خداوند قرار گرفته است بر انصاف تطبیق دادند؛ یعنی انصاف، عدلی است که قابلیت اطاعت یا عصیان داشته باشد؛ به عبارت دیگر باید بتوان به آن امر یا از آن نهی کرد و این فقط در محدود تشریعیات است نه تکوینیات. پس عدالت اعم از تشریع و تکوین است؛ ولی انصاف فقط در تشریعیات قابل تطبیق است.

اما مقصود ما از «عدالت» و «انصاف»، واجبی شرعی است که مسلمان در قبال سایر انسان ها بر عهده دارد؛ یعنی واجب است با همه به عدالت رفتار کند، خوبی هایشان را انکار نکند و بی دلیل آنان را متهم نسازد و حق هیچ کس را ضایع نکند؛ چنان که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «أَعْدَلُ الْخَلْقِ أَقْضَاهُمْ بِالْحَقِّ» [5] عادل ترین مردم کسانی اند که به درستی قضاوت می کنند.

قرآن کریم هم در این زمینه می فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَحْرِمَنَّكُمْ شَنَايُ قَوْمٍ عَلَيْكُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا أَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا إِنَّا إِذَا خَيْرُ مَا تَعْمَلُونَ * وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ [6] ای کسانی که ایمان آورده اید، برای خدا به پا خیزید و به عدل و داد گواهی دهید و مبادا دشمنی شما با گروهی و ادارتان کند که به عدالت رفتار نکنید، به عدالت رفتار کنید که به تقوا نزدیک تر است. خداوند به کسانی که ایمان آورده و عمل شایسته انجام داده اند، وعده آمرزش و پاداشی بزرگ داده است.

در این آیات خداوند مسلمانان را فرمان داده است که در صورت بروز دشمنی بین آن ها و دیگران، حدود انصاف را رعایت کنند و حتی آن را نشان بدهند تقوای آنان برشمرده است. در آیات بعدی، در قبال آن مطیعان را وعده آمرزش و پاداش عظیم و مخالفان را وعید دوزخ داده است. آیات دیگری فراموش کردن روز قیامت را علت رویگردان بودن عده ای از رعایت عدل دانسته است: يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ السَّاعِدِينَ يَمْشُونَ عَلَىٰ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ [7] ای داوود، ما تو را خلیفه روی زمین گردانیدیم. در میان مردم به حق داوری کن و از پی هوای نفس مرو که تو را از راه خدا منحرف سازد. آنان که از راه خدا منحرف شوند، بدان سبب که روز حساب را از یاد برده اند، به عذابی شدید گرفتار می شوند.

امیرالمؤمنین علیه السلام به امام حسین علیه السلام درباره انصاف با همگان این گونه توصیه

فرمودند: «اَوْصِيكَ بِتَقْوَى الْغِنَى وَالْفَقْرِ؛ وَبِالْعَدْلِ عَلَاى الصَّدِيقِ وَالْعَدُوِّ»؛ [81] شما را توصیه می‌کنم به رعایت تقوای الهی در حالت دارایی و نداری و به رعایت عدالت با دوست و دشمن».

اگر چه ریش بسیاری از نابسامانی‌های جوامع اسلامی در جهل و تصورات نادرستی از یکدیگر است، ولی خاستگاه برخی دیگر حقد و حسدی است که مانع از قضاوت عادلانه آنان درباره یکدیگر می‌شود.

البته قرآن این اخلاق ناپسند را برای هیچ معتقد به تعالیم آسمانی شایسته نمی‌داند: «وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّوكُم مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ»؛ [91] بسیاری از اهل کتاب، از روی حسد [که در وجود آن‌ها ریشه دوانده] آرزو می‌کردند شما را بعد از اسلام و ایمان، به حال کفر بازگردانند، با اینکه حق برای آن‌ها کاملاً روشن شده است.

[11]. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۴37.

[2]. مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۷، ص ۱۶۵، ح ۱.

[3]. نحل: 90.

[4]. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲31؛ شیخ صدوق، معانی الاخبار، ص 2۵7؛ قرطبی، تفسیر قرطبی، ج ۱۰، ص 1۶۵؛ شوکانی، فتح القدير، ج ۳، ص 188؛ شنقیطی، اضواء البیان، ج 2، ص ۴37؛ طنطاوی، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، ج 8، ص 219.

[5]. آمدی، غرر الحکم، 1۴.

[6]. مائده: 8، 9، 10 و فرمود: «إِنَّ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ»؛ خدا دستوراتان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبان‌شان بازگردانید و چون در میان مردم به داوری نشینید، به عدل داوری کنید» (نساء: ۵8).

[7]. ص: 2٦.

[8]. ابن شعبه حرّانى، تحف العقول، ص88؛ ثعالبى، تفسير ثعالبى، ص311.

[9]. بقره: 109.